

# شبه جسواره مرواریدی مولانا (۱)



Los Angeles, CA

۸ مهر ۱۳۹۹ تا ۱ خرداد ۱۴۰۰  
September 30<sup>th</sup> 2020 to April 21<sup>st</sup> 2021

[WWW.Morvaridha.com](http://WWW.Morvaridha.com)

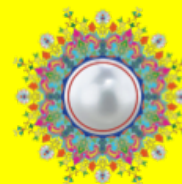


MorvaridhaMolana



MorvaridhaMolana

# جشنواره مرواریدهای مولانا (۱)



## توضیح و اهداف جشنواره

بوجود آوردن اثرهای هنری از ترکیب موسیقی و آواز از مرواریدهای مولانا. هراثر می بایست شامل یک یا چند عدد از مرواریدهای مولانا در یک دیدگاه(\*) باشند. بهترین ها در این جشنواره جایزه میگیرند.

اهداف	جوایز	شرایط شرکت
ترویج گفتار مولانا به طریق هنر موسیقی	جایزه اول: تقدیرنامه و ۳۰۰۰ دلار	عشق و علاقه به مولانا
تشویق به خلق اثر و شکوفایی درون	جایزه دوم: تقدیرنامه و ۲۰۰۰ دلار	علاقه به موسیقی و کار هنری فرهنگی
حمایت از هنرمندان	جایزه سوم: تقدیرنامه و ۱۰۰۰ دلار	
گسترش شادی و پیام عشق	جوایز چهارم تا دهم: تقدیرنامه و ۳۰۰ دلار	

کمک هزینه استودیو به شرکت کنندگان داده میشود

(\*) برای انتخاب اشعار (مرواریدها) و دیدگاه ها به فرم شرکت در جشنواره رجوع فرمایید

هنرمندانی که ذوق همراهی با جشنواره را دارند و نمی خواهند در بخش رقابتی شرکت کنند میتوانند در بخش جنبی شرکت کنند



## مراحل شرکت در جشنواره مرواریدهای مولانا (۱)

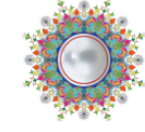
مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم	مرحله چهارم
۹ مهر تا ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۹	۲۰ آذر ماه ۱۳۹۹ تا ۴ دی ماه ۱۳۹۹ "شب عروس"	۴ دی ماه ۱۳۹۹ "شب عروس" تا اول اردیبهشت ۱۴۰۰	اول اردیبهشت تا اول خرداد ۱۴۰۰
Sept 30th to Dec 10th	Dec 10th to Dec 24th	Dec 24th to Apr 21th 2021	Apr 21th 2021 to May 22nd 2021
تفاضل شرکت در جشنواره	انتخاب ۱۰ اثر برتر	ارسال پایان اثر	انتخاب ۱۰ اثر برتر
از یک دیدگاه، یک و یا چند عدد مروارید انتخاب کنید	برندگان این دوره موفق به شرکت در مرحله نهایی میشوند	شرکت کنندگان با هنرمندان گروهشان به استودیو انتخابی خود رفته و کار خود را به اتمام رسانند	هیات داوران ۳ اثر برتر را انتخاب میکنند
برای آن آهنگ و آوازی بسازید	کارهای ارسالی توسط همکاران مرواریدهای مولانا بررسی و انتخاب ۱۰ کار برتر	فرم ارسالی برای مرحله نهایی را پر میکنند و از آن عکس میگیرند	برندگان بر معیار زیر انتخاب میشوند تلفیق شعر و موسیقی توجه به ریتم، هارمونی، کوک و خلاقیت
آزمون که از کارتان راضی شدید با تلفن همراه و یا ضبط خانگی آنرا ضبط کنید	برندگان این دوره در تاریخ ۴ دی ماه ۱۳۹۹ "شب عروس" اعلام میشوند	فرم و کار پایانی خود را به آدرسی که با آنها داده شده تا اول اردیبهشت سال ۱۴۰۰ ارسال کنند	خلاقیت در ساخت ویدئو هم به عنوان پوئن مثبت در نظر گرفته میشود
فرم درخواست شرکت در جشنواره را پر کنید از آن عکس بگیرید	به تمامی برندگان این دوره کمک هزینه استودیو تعلق میگیرد	هنرمندانی که کار خود را تا این تاریخ به پایان رسانند از شرکت در مرحله آخر باز میمانند	معرفی برندگان و پخش ۱۰ برترین در کانال های مرواریدهای مولانا
ضبط خود را با فرمت MP3 به همراه عکس فرم به آدرس <a href="mailto:Morvairdha.Molana@gmail.com">Morvairdha.Molana@gmail.com</a> ارسال فرمایید	برندگان بر معیار زیر انتخاب میشوند توجه به تلفیق شعر و موسیقی توجه به ریتم، هارمونی، کوک و اجرا	پرداخت جوایز تا پایان خرداد ماه	
دریافت تقاضا شرکت شما را با ایمیل به اطلاع شما میرسانیم	با برندگان این دوره توسط ایمیل تماس گرفته میشود و مبلغ دریافتی جهت کمک هزینه استودیو به آنها اطلاع داده میشود		
پایان مرحله اول ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۹ - تقاضاهای رسیده بعد از این تاریخ از شرکت در جشنواره محروم می مانند			

هنرمندانی که ذوق همراهی با جشنواره را دارند و نمی خواهند در بخش رقابتی شرکت کنند میتوانند در بخش جنبی شرکت کنند

در بخش جنبی زمان بندی مثل بخش رقابتی است

با توجه به روشن بودن شرایط و مراحل جشنواره و به دلیل محدودیت زمان، از پاسخ گویی معذوریم.

در اطلاع رسانی به دوستان هنرمند خود را ما را یاری نمائید.



## جمهورية مرواریدی مولانا (۱)

فرم شرکت در جشنواره و درخواست کمک هزینه برای استودیو

نام صاحب اثر

نام صاحب اثر

نام گروه (اگر متقاضی برای گروه خود نامی دارد)

شهر محل اقامت

تلفن همراه

ایمیل

شماره و یا شماره های مرواریدهای انتخاب شده

اول یک دیدگاه انتخاب کنید بعد یک یا چند مروارید از آن دیدگاه انتخاب فرمایید. دیدگاه ها و شماره مرواریدها در لیست مرواریدها مولانا موجود است

خیر

آری

آیا به کمک هزینه استودیو احتیاج دارید؟

بخش جنبی

بخش رقابتی

در کدام بخش میخواهید شرکت کنید؟

نام اعضای گروه و مسئولیت اعضا (در اثر مقدماتی که به ما ارسال میکنید)

با امضای این فرم تایید می‌نمایم که صاحب امتیاز این اثر و پاسخگوی ادعاهای احتمالی در قبال آن هستم و همچنین اجازه پخش غیر انحصاری آن را به علی پژوهشگر، به نمایندگی از جشنواره مرواریدهای مولانا وگذار می‌نمایم. منافع مالی حاصل از فروش این اثر به مجموعه مرواریدهای مولانا صرف خواهد شد.

تاریخ امضا

امضاء صاحب اثر

لطفاً از این فرم عکس گرفته و عکس و اثر ضبط شده خود را به [Morvaridha.Molana@gmail.com](mailto:Morvaridha.Molana@gmail.com) ارسال فرمایید



# مرواریدهای مولانا

## دیدگاه مقام آدمی

1	من نور پاکم ای پسر نه مشت خاکم مختصر	آخر صَدَف من نیستم، من درُ شَهوار آدم
2	هر یکی از ما مسیح عالمیست	هر الم را در کف ما مرهمیست
3	بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست	در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی
4	مرغ باغ ملکوتم، نی ام از عالم خاک	دو سه روزی قفسی ساخته اند از بدنم
5	پس به صورت عالم اصغر توی	پس به معنی عالم اکبر توی
6	روح صالح قابل آفات نیست	زخم بر ناقه بود بر ذات نیست
7	کس نیابد بر دل ایشان ظفر	بر صدف آید ضرر نه بر گهر
8	تو نه‌ای این جسم تو آن دیده‌ای	وا رهی از جسم گر جان دیده‌ای
9	آدمی دیده‌ست باقی گوشت و پوست تا در طلب گوهر کانی، کانی	هرچه چشمش دیده است آن چیز اوست تا در هوس لقمه‌ی نانی، نانی
10	آدمی دید است و باقی پوست است چون که دید دوست نبود، کور به	دید آن است آن که دید دوست است دوست کو باقی نباشد دور به

## دیدگاه ضیف آدمی

11	نفس و شیطان هر دو یک تن بوده‌اند چون فرشته و عقل (هشیاری) کایشان یک بدند دشمنی داری چنین در سر خویش راه حس راه خرائست ای سوار	در دو صورت خویش را بنموده‌اند بهر حکمتهاش دو صورت شدند مانع عقلست و خصم جان و کیش ای خران را تو مزاحم شرم دار
12	پنج حسی هست جز این پنج حس حس ابدان قوت ظلمت می‌خورد پیش چشمت داشتی شیشه کیود گر نه کوری این کیودی دان ز خویش	آن چو زر سرخ و این حسها چو مس حس جان از آفتابی می‌چرد زان سبب عالم کیودت می‌نمود خویش را بد گو، مگو کس را تو بیش
13	جان شهوانی که از شهوت زهد پس به علت دوست دارد دوست را چون شکستی جان ناری را ببین شکاف پنج حس تو شکاف آن قفس است	دل ندارد دیدن دلدار را بر امید خلد و خوف نار را در پی او جان پرانوار را هزار منظر بینی و ره به منظر نیست
14	عقل گوید شش جهت حدست و بیرون راه نیست بر هر چه همی‌لری می‌دان که همان ارزی آن را که شفا دانی، درد تو از آن باشد مرکب همت سوی اسباب راند	عشق گوید راه هست و رفته‌ام من بارها زین روی دل عاشق از عرش فزون باشد وان را که وفا خوانی، آن مکر و فسون باشد از مسبب لاجرم محجوب ماند
15	آن که ببند او مسبب را عیان کی نهد دل بر سبب های جهان	کی نهد دل بر سبب های جهان

## دیدگاه آدمی و خدا

19	ما گوی سرگردان تو اندر خم چوگان تو گه جانب خوایش کشی گه سوی اسبایش کشی	گه خوانیش سوی طرب گه رانیش سوی بلا گه جانب شهر بقا گه جانب دشت فنا
20	گه عاشق این پنج و شش گه طالب جان های خوش صید منی شکار من، گر چه ز دام جستانای گوی منی و می دوی، در چوگان حکم من	این سوش کش آن سوش کش چون اشتری گم کرده جا جانب دام باژ رو، وژ تروی برانمت در پی تو همی دوم، گر چه که می دوانمت
21	از هر جهتی تو را بلا داد علم ما داده او و ره ما جاده او	تا باز کشد به بی جهات گر می ما دم گرمش، نه ز خورشید حمل
22	دم او جان دهنت، روز نقت پذیر (هر چه او میخواهد میشود)	کار او کن فیکون است، نه موقوف علل می کشد گوش تو تا قعر سفول (پستی)
23	ترس و نومیدیت دان آواز خول (من ذهنی) فکر تو نقش است و فکر اوست جان	نقد تو قلبست و نقد اوست کان هر چه اندیشی تو او بالای اوست
24	دوزخ و جنت همه اجزای اوست هر چه اندیشی پذیرای فاست	آنک در اندیشه ناید آن خداست عقل کلی آمن از ریب المنون (حوادث ناگوار)
25	عقل جزوی گاه چیره گه نگون ما چو کشتیها بهم بر می زنیم	تیره چشمیم و در آب روشنیم آب را دیدی نگر در آب آب
26	ای تو در کشتی تن رفته به خواب آب را آبی ست کو می راندش	روح را روحی ست کو می خواندش

### دیدگاه آدمی در دنیای بیرون

27	جمله بی فراریت از طلب فرار تست هر که بیدارست او در خواب تر	طالب بی فرار شو تا که فرار آیدت هست بیداریش از خوابش بتر
28	مرغ بر بالا و زیر آن سایه اش ابلهی صیاد آن سایه شود بی خبر کان عکس آن مرغ هواست تیر اندازد به سوی سایه او	می بود بر خاک پران مرغوش می بود چندانک بی مایه شود بی خبر که اصل آن سایه کجاست ترکش خالی شود از جست و جو
29	سایه یزدان بود بنده خدا هر که کارد قصد گندم باشدش که بکاری بر نیاید گندمی نردبان خلق این ما و نیست	از دودین در شکار سایه تفت مرده او زین عالم و زنده خدا گاه خود اندر تبع (بدنبال) می آیدش مردمی جو مردمی جو مردمی (انسانیت جو)
30	هر که بالاتر رود ابله ترست گرچه بر نقش است خانه بر کنش خانهای بر نقش تصویر و خیال پرتو گنج است و تابش های زر	عاقبت زین نردبان افتادنیست که استخوان او بتر خواهد شکست گنج جو وژ گنج آبادان کنش وین صور چون پرده بر گنج وصال
32	ساعتی میزان آتی ساعتی موزون این	که درین سینه همی جوشد صور بعد از این میزان خود شو تا شوی موزون خویش

### دیدگاه رابطه دنیای بیرون و درون - قانون جاذبه

33	اندیشه جز زیبا مکن کو تار و پود صورت است زان سوی کاندازی نظر آن جنس می آید صور	ز اندیشه ای احسن تند هر صورتی احسن شده پس از نظر آید صور اشکال مرد و زن شده
----	---	--

34	در جهان هر چیز چیزی جذب کرد ناریان مر ناریان را جادبانند ای بسا ظلمی که بینی در کسان اندریشان تافته هستی تو	گرم گرمی را کشید و سرد سرد نوریان مر نوریان را طالبانند خوی تو باشد دریشان ای فلان از نفاق و ظلم و بد مستی تو
35	آن توی و آن زخم بر خود می‌زنی جرم بر خود نه که تو خود کاشتی و آن گنه در وی ز جئس جرم توست خلقی زشت اندرو رویت نمود	بر خود آن دم تار لعنت می‌تبی با جزا و عدل حق کن آشتی باید آن خو را ز طبع خویش شست که تورا او صفحه آینه بود
36	این جهان کوه است و فعل ما نِدا	سوی ما آید نِداها را صدا

### دیدگاه هدف از سفر به این دنیا

39	چند بگفتم که خوشم هیچ سفر می‌نروم لطف تو بفریفت مرا گفت برو هیچ مرم چون به غریبی بروی فرجه کنی پخته شوی از حد خاک تا بشتر، چند هزار منزلت	این سفر صعب نگر ره ز علی تا به ثری بذرقه باشد گرمم بر تو نباشد خطری بازبایی به وطن باخبری برهنری شهر به شهر بردمت بر سر ره نمانمت
40	هیچ مگو و کف مکن، سر مگشای دیگ را نی که تو شیرزاده ای، در تن آهوی نهان گوی منی و می‌دوی، در چوگان حکم من تنها شدم راكد شدم بفسردم و جامد شدم	من ز حجاب آهوی، یک رهه بگذرانمت در پی تو همی‌دوم، گر چه که می‌دوانمت تا زیر دندان بلا چون برف و یخ می‌خاییم من تا گره دارم یقین می‌کوبی و می‌ساییم
41	چون آب باش و بی‌گره از زخم دندان‌ها بجه	

### دیدگاه راه - تسلیم

42	لیک مقصود ازل تسلیم توست ای نخود می‌جوش اندر ابتلا چون ز مرده زنده بیرون می‌کشد چون ز زنده مرده بیرون می‌کند	ای مسلمان بایدت تسلیم جست تا نه هستی و نه خود ماند تو را هر که مرده گشت او دارد رشد نفس زنده سوی مرگی می‌تند
43	مرده شو تا مخرج الحی الصمد	زنده‌ای زین مرده بیرون آورد

### دیدگاه راه - سپاس و شکر

44	ناسپاسی و فراموشی تو لاجرم آن راه بر تو بسته شد شکر نعمت خوشتر از نعمت بود شکر جان، نعمت و نعمت، چو پوست	یاد ناورد آن عسل‌نوشی تو چون دل اهل دل از تو خسته شد شکر باره کی سوی نعمت رود ز آنک شکر، آرد ترا تا کوی دوست
45	از خدا غیر خدا را خواستن	ظن افزونی ست و کلی کاستن

### دیدگاه راه - شناسایی هم هویتی

47	پس بدان این اصل را ای اصل‌جو هر که او بیدارتر بر دردتر	هر که را درد است، او برده‌ست بو هر که او آگاه تر رخ زردتر
48	گر قضا صد بار قصد جان کند این قضا صد بار اگر راهت زند	هم قضا جانت دهد درمان کند بر فراز چرخ خرگاهت زند

چونک غمبینی تو استغفار کن	49
<b>دیدگاه راه - انداختن هم هویتی ها فضا کشایی</b>	
چونک غمبینی تو استغفار کن	49
حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو	
هم خویش را بیگانه کن هم خانه را ویرانه کن	50
رو سینه را چون سینه‌ها هفت آب شو از کینه‌ها	
باید که جمله جان شوی تا لایق جاتان شوی	
خویش را صافی کن از اوصاف خود	51
بینی اندر دل علوم انبیا	
شب پدید آید چو گنج رَحمتی	
چون که قبضی آیدت ای راهرو	52
چون که قبض آید تو در وی بسط بین	
خشم خود بشکن تو مشکن تیر را	
بوسه ده بر تیر و پیش شاه بر	53
<b>دیدگاه راه - پیشگیری</b>	
جان فدا کردن برای صید غیر	54
هر چه بینی سود خود ز آن میگریز	
هر که بستاند ترا دشنام ده	55
ایمنی بگذار و جای خوف باش	
هرچه از وی شاد گردی در جهان	
زانچ گشتی شاد بس کس شاد شد	56
از تو هم بجهد تو دل بر وی منه	
<b>دیدگاه راه - پیشگیری - در رابطه با دیگران</b>	
در حقیقت دوستانت دشمن‌اند	57
هر ولی را نوح و کشتیبان شناس	
گم گریز از شیر و آژدرهای تر	58
گفت هر مردی که باشد بدگمان	
هر درونی که خیال‌اندیش شد	59
چون سخن در وی رَوَد، عِلّت شود	
پس جواب او سکوت است و سکون	
تا کئی مَر غیر را حبر (دانشمند) و سنی (بلند مرتبه)	60
<b>دیدگاه راه - صبر و خاموشی</b>	
صبر و خاموشی جذوب رحمتست	61
رزقِ حقِ حکمت بود در مرتبت	62
این دهان بستنی دهانی باز شد	
انستوا را گوش کن خاموش باش	63
خמוש باش که تا وحی‌های حق شنوی	64



صَبْرٌ تَا مَقْصُودٍ زَوْتَرٌ رَهْبَرٌ اسْت	باز با خود گفت صبرِ اولی‌تر است	65
مُرْغٌ صَبْرٍ اَز جُمْلَه پَرَانِ تَر بُود	چون نَبْرسی زودتر گشفت شود	
سَهْلٌ اَز بی‌صَبْرِی اَت مُشْکَلٌ شُود	وَر نَبْرسی دیرتر حاصل شود	

### دیدگاه راه - نزدیک شدن به او

رَو فَنَّا كُنْ دِید خُودِ دَر دِیدِ دُوسْت	دیده ما چون بسی علت دروست	66
یَابِی اَنْدَر دِیدِ اَو كَلَّ عَرَضٌ	دید ما را دید او نَعَمَ الْعَوَضُ	
وَر نَه كِی وَسَوَاسٌ رَا بَسْتَسْت كَس	پوزبند وسوسه (افکار پشت سر هم) عشقت و بس	67
اَنْ نَدَا می‌دَانِ كِه اَز بَالَا رَسِید	هر ندایی که ترا بالا کشید	69
كُو و كُو كُو، فَاخْتَه شُو سُوی اَو	او تویی، خود را بجو در اوی او	
رَاه اَنْ بَاشْد، كِه بِیَش اَید شَهْی	فکر آن باشد، که بگشاید روی	70
نَه بِمَخْرَنَهَا و لَشْكَر شَه شُود	شاه آن باشد، که پیش شه رود	
نَقْشَهَا بَیْنِی بَرُورِ اَز اَب و خَاك	آینه دل چون شود صافی و پاک	71
فَرَشِ دَوْلَتِ رَا و هَم فَرَاشِ رَا	هم ببینی نقش و هم نقاش را	

### دیدگاه یار

ای عقل عقل عقل من ای جان جان من	آن سو مرو این سو بیا ای گلبن خندان من	72
قند تویی زهر تویی بیش میزار مرا	قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی	73
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم	مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم	74
دل من داند و من دانم و دل داند و من	اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل من	75
اندر تن من جان و رگ و خون همه اوست	اندر دل من درون و بیرون همه او است	76